گالری جهان

واشنگتن‌پست؛ بحث داغ در سنا

عکس یک و تیتر یک بسیاری از روزنامه‌هـای معتبر جهان نشان می‌دهد اوضاع خاورمیانه ناآرام اسـت و از این هم بدتر خواهد شد. ناآرامی در مرزهای لبنان و اسرائیل کلید خورده است. روزنامه واشنگتن‌پست چاپ امریکا به این موضوع مربوط است. در شرح عکس نوشـته شده سـه لبنانی و یک اسرائیلی کشته شده‌اند. علت ماجرا هم تصمیم اسرائیلی‌ها برای پاکسازی منطقه از پوشش گیاهی بوده است. محل درگیری آن سوی خط آبـی و در مرزهای داخلی لبنان که مرز ممنوعه اسـت، قـرار دارد. در عکس تلاش گروه‌هـای امداد برای انتقال جسد یکی از کشته‌شدگان لبنانی را می‌بینیم. تیتر یک واشنگتن‌پست درباره یکی از مسائل مهم و داخلی امریکا است. اوباما به تازگی طرحی تسلیحاتی برای زرادخانه‌های هسته‌ای‌اش تدارک دیده که گویا سر و صدای سناتورهای جمهوریخواه مجلس سنای امریکا را درآورده است. علت واکنش جمهوریخواهان نزدیکی این سیاسـت جدید به دیدگاه روس‌ها در مسـاله هسـته‌ای عنوان شده است. واشنگتن‌پست با عنوان بحث داغ در سنا ماجرا را پوشش داده است. و دیگر اینکه بحث‌های مربوط به فعالیت‌های جدیـد کمپانی بریتیـش پترولیوم هـم در صفحه اول واشنگتن‌پست دیده می‌شود؛ بحث‌هایی که از توانایی و موفقیت این کمپانی در مهار لکه‌های نفتی خبر می‌دهند.

وال‌استریت‌ژورنال
درگیری اسرائیل و لبنان چهار کشته داده است

خاورمیانـه آنقـدر منطقـه اسـتراتژیک و مهمی اسـت که هر اتفاقی در آن می‌تواند صفحه یک روزنامه‌های معتبر جهان را به خود مشغول کند. خبـر درگیـری در مرزهای ناآرام لبنان و اسـرائیل تیتر یک وال‌استریت‌ژورنال (نسخه اروپا) را به خود اختصاص داده است. این روزنامه در تیتر یک از کشته شدن چهار نفر خبر می‌دهد و در عکس یک، سـربازی لبنانی را به تصویر کشیده که مشغول آرام کردن اوضاع شهر عدیسه منطقه محل درگیری نیروهای لبنانی و اسرائیلی است. تقریباً بیشترین بخش از صفحه یک وال‌استریت‌ژورنال در اختیار این ماجرا و حواشـی‌اش قـرار دارد. تحولات خاورمیانه در بالا و پایین کردن شـاخص‌های بازارهای بورس جهان تاثیرگذار است. شاید به همین دلیل است که روزنامه اقتصادی وال‌استریت‌ژورنال به ماجرای درگیری میان لبنان و اسـرائیل اهمیت می‌دهد. در صفحه یک این روزنامه و بالای لوگوی آن مطلبی منتشـر شده که خبـر می‌دهد تازه‌ترین محصول کمپانی تولید گوشـی موبایل بلک‌بری وارد بازار شده است. این گوشی از سری گوشی‌های اسمارت این کمپانی است.

گاردین
مدت‌زمان اجاره‌خانه‌ها ثابت می‌شود

مساله خانه در انگلیس مساله مهـم و قابل توجهی اسـت. به همین خاطـر هم روزنامه گاردین میان ایـن همه بلوا و آشوب خاورمیانه، اظهارات نخسـت‌وزیر انگلیس درباره قراردادهـای اجـاره خانه را بـرای تیتر یک خود انتخاب کرده اسـت. گاردین میان روزنامه‌هـای معتبر جهان بی‌توجه از کنار درگیری‌های لبنان و اسرائیل گذشته. در صفحه یک گاردین نه خبر و نه عکس مربوط به این ماجرا را نمی‌بینیم. در عوض تیتر یک گاردین از قول دیوید کامرون خبر می‌دهد «موسسات مشاوره اجاره خانه بیشتری نیاز نداریم». گزارش‌نویس گاردین می‌نویسد: نخست‌وزیر گفته از این به بعد خانه‌ها با مدت معلوم مثلاً پنج‌ساله اجاره داده می‌شوند و دیگر مثل سابق مختلف نخواهد بود. این برنامه به طرح اصلاحات اقتصادی کمک می‌کند. عکس یک گاردین هم تصویری از شب سـواحل چین است؛ سواحلی که روشن به نظر می‌رسـد. گاردین در توضیح این عکس نوشته چین که مدعی اسـت امریکا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است، طی یک دهه گذشته دوبرابر امریکا از انرژی الکتریکی استفاده کرده است.

نشنال‌نیوز: توقیف هزاران خودرو در دوبی

نقش بستن تصاویر لبنان بر صفحه یک روزنامـه اماراتی تعجب‌برانگیز نیسـت. وقتی وال‌اسـتریت‌ژورنال بـه این موضـوع اهمیـت می‌دهد، روزنامه‌هـای خاورمیانـه که جای خود دارند. نشـنال‌نیوز همان عکسی را برای صفحه یک خود انتخاب کرده که واشنگتن‌پست برای عکس یک استفاده کرده است. این روزنامه هم در تیتر یک خود خبر کشته شدن چهار نفر را در درگیری‌های مرزی لبنان و اسرائیل منتشر کرده است. امـا این روزنامه در صفحه اول خود گزارش جالبی دارد که خواندنش برای آنها که موضوعات اجتماعی و شهری را دنبال می‌کنند، قابل توجه است. نویسنده این گزارش نوشـته در شش ماه اول سـال پلیس دوبی بیش از ۱۵ هزار خودرو را در این شهر توقیف کرده است. خودروهای توقیفی یا مجرمان مسائل راهنمایی و رانندگی هستند، یا مجرمانی از نوع دیگر یا شماره‌شان از رده خارج است. پلیس دوبی برای اجرای طرح توقیف خودروهای متخلف از پاترول‌های هوشمند استفاده می‌کند، به طوری که این پاترول‌ها در خیابان هنگام حرکت پشـت خودروها، به سرعت شماره‌ها را اسکن و در حافظه‌شان آن را بررسی می‌کنند. پلیس دوبی گفته متاسـفانه آمار خودروهای توقیفی افزایش خواهد داشت.

گزارش یک

کره شمالی، کابوسی عتیقه

ترجمه: عباس زندباف

حکومت کمونیسـت کره شـمالی که گمان می‌رفت دسـت‌کم یک نسل پیش دکانش تخته شود، همچنان در صدر اخبار جهان جا خوش کرده است. ۲۰ سال پیش بود که مجله وال‌استریت مقاله‌ای درباره کره شمالی چاپ کرده بود به نام «در آسـتانه فروپاشی» به قلم نیکلاس ابرشتاد یکی از برجستگان اقتصاد سیاسی. نادرست از آب درآمدن آن پیش‌بینی باعث نشـد ابرشـتاد کم بیاورد و دوباره در سال ۱۹۹۹ کتابی به نام «پایان کره شمالی» منتشر کرد. کمتر کسی از در مخالفت با ابرشتاد درآمد چون روسیه و چین که دایه‌های کره شمالی بودند کمونیسم را بوسیده و کنار گذاشته بودند و البته دست از کمک کردن به نوچه قدیمی خود نیز برداشته بودند. انگار بازی داشت به پایان می‌رسـید. اما کره شـمالی از پا درنیامد. چند هفته پیش بود که هیلاری کلینتون در نشسـت منطقه‌ای کشورهای عضو پیمان آسه‌آن حمله به ناو جنگی چئونان را جلوه‌ای از رفتارهای خطرنـاک پیونگ‌یانگ خواند. می‌گویند کره شـمالی بود که در ماه مارس به این ناو کره جنوبی حمله کرد. هیلاری کلینتون گفت شـبه‌جزیره کره رنگ آرامش را به خود نمی‌بیند مگر آنکه کره شمالی روش‌های خود را تغییر دهد. اما تغییر در سیاسـت کره شمالی جایی ندارد. سال ۱۹۹۰ یا ۲۰۰۰ هم پر بود از حرف‌هایی از این دست. جمهوری دموکراتیک خلق کره عتیقه‌ای است به جا مانده از قرن بیسـتم که از پیروزی دم می‌زند. کره شـمالی در میان حکومت‌های اقتدارگرا از لحاظ درازعمری حد نصابی جهانی را به نام خود نوشته است. گیریم که مردم بی‌نوای این کشـور از گرسنگی یا بی‌سرپناهی نای زندگی نداشته باشـند. استالین ۲۹ سـال حکومت کرد، مائو ۲۷ سال و هیتلر ۱۲ سال. اما حکومت کیم سونگ ایل و پسرش کیم جونگ‌ایل که جدای از هم نبوده‌اند اکنون به ۶۵ سـالگی رسیده است. با توجه به آنکه ریاست در این کشور حالتی کمابیش موروثی یافته اسـت، بعید نیست که کیم جونگ ایل ناخوش‌احوال نیز جای خود را به پسـر سـومش کیم جونـگ اون بدهد تا خانواده‌ای در کرسـی دائمی قدرت جاخوش کند و بتازد. باراک اوباما یازدهمین رئیس‌جمهور امریکا است که با این خانواده سروکار پیدا کرده است. این پدیـده تا حد زیادی در میان کشـورهای جهان بی‌همتا اسـت؛ کشـوری پنهانکار که در آن اگر احدی با بیگانگان هم‌صحبت شـود، کیفر می‌بینند. «باربارا دمیک» که پنج سال در سئول خبرنگار نشریه لس‌آنجلس تایمز بود، طی شش سـفری که به کره شمالی کرد متوجه شد آدم‌های حکومت نمی‌گذارند حتی یک کلمه با شهروندان معمولی حرف بزند. از همین رو وقتی به کره‌جنوبی برگشت، دست به کار تحقیق در مورد پناهندگانی شـد که از کره شمالی گریخته بودند. حاصل این تحقیق کتابی بود به نام «جای حسـرت خوردن نیسـت: زندگی عادی در کره شمالی» کـه به تازگی برنده جایزه جانسـون بـرای بهترین کتاب غیرداستانی انگلستان شد. این کتاب جلوه‌ای است عالی از مهارت در گزارشگری و نخستین گزارش دست اول و دقیق از زندگی در کره شـمالی. «دمیک» از دل داستان زندگی شش خانواده کره‌ای، تاریخ حکومتی را بیرون می‌کشد که به منزوی کردن و سـرکوب شهروندانش کمر بسته است. نویسنده دست خواننده را می‌گیرد و گام به گام به گونه‌ای دقیق و سنجیده با زندگی مردمانی درمانده و مستاصل آشنا می‌کند. از زبان مربی مهد کودکی می‌خوانیم که تلخ‌ترین بخش شغلش این بود که به چشم خود می‌دید کودکان بر اثر گرسنگی جان می‌سپارند. همین سخنان را نیز از زبان یکی از شخصیت‌های کتاب می‌خوانیم که پزشک کودکان است و از مرگ بیماران خود می‌گوید. اکثر این بازماندگان اعتـراف می‌کنند که خودشـان تا مدت‌هـا به حرف‌های حکومت از دل و جان ایمان داشتند. برای مثال باور کرده بودند که مردم کره جنوبی در فلاکت زندگی می‌کنند. به همین دلیل بود که یکی از سرودهای کودکان در کره شمالی این گونه آغاز می‌شد: «در این جهان حسرتی نداریم.» به گفتـه این پناهندگان، پلیس حفظ ضوابط عمومی اغلب به خانه‌های مردم سرکشی می‌کرد که مبادا از تمیز کردن قاب عکس کیم ایل سونگ و کیم جونگ ایل غفلت کرده باشـند؛ قاب‌عکس‌هایی که همه به دسـتور دولت باید در خانه‌های خود نصب می‌کردند. دولت به هر خانوار دستمال سـفیدی داده بود که مخصوص تمیز کردن این عکس‌ها بود. «دمیک» از کتاب ریاضی اول دبستان در کره شمالی هم مسـاله‌ای را نقل کرده است: «۸ پسر و ۹ دختر دارند سرودی در سـتایش کیم سونگ ایل می‌خوانند چند نفر دارند سرود می‌خوانند؟» کیم سونگ ایل که عموی خودش قبل از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها کشیش بود چاپ و انتشار انجیل را ممنوع کرد، کلیساها را بست و خودش بر مسند قداست نشست. روزنامه‌های دولتی پر بود از کرامات و معجزات کیم سونگ ایل. برای مثال یک بار دریانوردانی که دچار دریایی توفانی شده بودند با ذکر نام کیم سونگ ایل توفان دریا را فرونشاندند! وقتی میان شهروندان عادی می‌آمد ناگهان همه جا را مه می‌گرفت مبادا چشـم‌زخمی از تک‌تیراندازان مخفی کره جنوبی به او برسد. هنگام تولد پسرش کیم جونگ ایل نیز ستاره پرفروغی در آسمان نمایان شـد. این مغزشویی‌های بی‌امان و قوی کارساز هم بود. به گفته شاهدان دمیک بسیاری از اهالی کره شمالی به جایگاه خدایگانی کیم سونگ ایل باور داشتند. هنگامی هم که در سال ۱۹۹۴ در ۸۲ سالگی چشم از جهان فروبست پیروانش مرگش را باور نمی‌کردند و روحیه‌شان حسابی خراب شد.

منبع: nationalpost.com

عکس یک: برده‌داری

خوب که فکر کنیم، می‌بینیم ۵۰ سـال خیلی هم زیاد نیسـت. عمر آزادی و اسـتقلال و فروپاشـی سیستم برده‌داری در آفریقا را می‌گویم. تاریخ را که ورق می‌زنیم، خیلی نباید عقب برویم، به دوران برتری سـفیدها و بردگی سـیاه‌ها می‌رسـیم؛ به دوران هویت رنگ‌ها نه آدم‌ها... به دوران بردگی یک قاره، یک سرزمین، یک تاریخ و یک تمدن... از برچیده شـدن بسـاط برده‌داری سـنتی تا امروز تنها ۵۰ سال می‌گذرد. با این حساب آفریقایی‌ها حق دارند سـالگرد آزادی و اسـتقلال را جشـن بگیرند و مدام به خودشان یادآوری کنند از کجا به کجا رسـیده‌اند. به جایی رسـیده‌اند که بتوانند میزبان مسـابقات جهانی فوتبال باشند. چیز کمی نیست. حالا کار نداریم که این سال‌ها و روزها شکل برده‌داری تغییر کرده و شمایلی مدرن‌تر به خود گرفته و دیگر مسـاله رنگ نیسـت. آفریقایی‌ها به همین تغییر شمایل هم راضی‌اند. در این تصویر تعدادی شهروند ابیجانی را می‌بینید که در خیابان‌های پایتخت ساحل‌عاج به یاد روزهای برده بودن طناب به پا و گردن بسته‌اند و در شهر رژه می‌روند؛ تصویری است نمادین از روزگار استثمار و استعمار و آپارتاید.

عکس: AFP

گالری جهان

شانگهای‌دیلی؛ اینجا روزی خانه بوده است

در روزنامه‌هـای چـاپ منطقـه شـرق دور خیلـی نمی‌شـود مهم‌ترین مسائل روز را پیگیـری کـرد. ایـن روزنامه تازه سرگرم بررسی مسـاله آتش‌سوزی و فاجعه در روسـیه شـده اسـت؛ فاجعه‌ای که در اعماق جنگل‌ها به خاطر گرمای بیش از حد هوا شروع شده و به مناطق مسکونی هم رسیده است. شمار کشته شده‌ها به ۴۰ نفر رسیده است. البته طبق آماری که شانگهای‌دیلی منتشر کرده است. عکس یک این روزنامه بخشی از این حادثه را نشان می‌دهد. تنها مجسمه‌ای سرامیکی از یک سگ باقی مانده و تمام خانه فروریخته و خاکسترش برجا است. شانگهای‌دیلی زیر عکس نوشـته: اینجا روزی خانه بوده اسـت. تیتر یک روزنامه شانگهای‌دیلی هم به مانور پنج‌روزه چین می‌پـردازد. این روزنامه خبر می‌دهد هزاران دسـته و گردان نظامی در هفت شهر این کشور رزمایش هوایی برای بررسی تاکتیک‌های دفاعی پکن برگزار می‌کنند. این هفت شـهر از شـهرهای نزدیک پکن هستند. در گوشـه‌ای از صفحه یک خبر داده شـده دمای هوای شـهر به ۳۹/۵ درجه سـانتیگراد رسیده و گرمای هوا مردم را کلافه کرده است.

بانکوک‌پست؛ زایمان در خیابان

عکـس یـک روزنامـه بانکوک‌پست تایلند ناخودآگاه آدم را یـاد موضوعـی نگران‌کننـده می‌انـدازد. چنـد امدادگـر و پرسـتار دور خانمـی را گرفته‌اند که کودکی هم روی پایش است. شانگهای‌دیلی در توضیح تصویر می‌نویسد: «زایمان در خیابان». ترافیک بانکوک دسته گل به آب داده و باعث شـده خانم بارداری که در راه رساندن به بیمارستان بـوده، توی خیابـان وضع حمل کند. بانکوک‌پسـت خبر می‌دهد حال مادر و نوزاد دخترش خوب اسـت. بانکوک‌پسـت در تیتر یک خود خبر می‌دهد پرایوت برنامه‌هایش را اعلام کرد. ژنرال پرایوت معاون رئیس ارتـش تایلند اسـت و در سـپتامبر جایگزین رئیس بازنشسـته خواهد شـد. او از همین حـالا برنامه‌های اصلاحی‌اش را اعلام کرده و منتظر واکنش موافقان و مخالفان است. تقریباً تمام صفحه یک بانکوک‌پست به این موضوع اختصاص دارد. به هر حال بانکوک به انبار باروتی می‌ماند که منتظر جرقه است. هر لحظه مستعد انفجار است و می‌تواند به آوردگاه خیابانی قرمز و زرد تبدیل شـود. حضور فرمانده جدید در ارتش می‌تواند یکی از دلایل انفجار بانکوک باشـد.

تاگس‌اشپیگل؛ پاکستان غرق می‌شود

درگیری‌هـای خاورمیانه جایی در صفحه یک روزنامه آلمانی تاگس‌اشپیگل ندارد. مسـوولان ایـن روزنامـه بیشـتر تحت تاثیر حوادثی هستند که در پاکستان رقم می‌خـورد. تاگس‌اشـپیگل می‌نویسد پاکستان در حال غرق شدن است و از دست کسـی هم کاری برنمی‌آید. ایـن روزنامه در گزارش یـک خود خبر می‌دهد باران‌های سیل‌آسـا همچنان ادامه دارد و شـمال این کشـور بیشـترین تلفات را داشـته است. آمار کشته شده‌ها به ۱۵۰۰ نفر رسیده و ۳/۲ میلیون نفر در معرض آسیب‌دیدگی قرار دارند کـه از این میان ۱/۴ میلیون نفر کودک هسـتند. در صفحه اول تاگس‌اشـپیگل گزارشی دیده می‌شود که تیتر یک این روزنامه از دل آن درآمده است. در تیتر یک تاگس‌اشـپیگل می‌خوانیم: حقوق پدران افزایش می‌یابد. منظور این اسـت که قانـون حق حضانت از فرزندان نامشـروع که تا پیـش از این با رضایت مادر این حق (حق سرپرستی) به پدر واگذار می‌شد، حالا تغییر کرده و لغو شـده اسـت. طبق قانون جدید پدر فرزند نامشـروع همان‌قدر حق دارد او را سرپرسـتی کند که مادر. صفحه یک تاگس‌اشـپیگل بیشتر اخبار و اتفاقات داخلی آلمان را بررسـی می‌کند و کمتر از اخبار خارجی در آن می‌شـود سـراغ گرفت.

تودیززمان؛ ژنرال ایگسیز سه روز وقت دارد

مرحله اول رفراندوم بسته پیشـنهادی اردوغان برگزار شده و شهروندان ترک پای صندوق‌هـای رای رفته‌اند. این داسـتان سـوژه عکس یک روزنامه تودیززمان چاپ ترکیه اسـت. ترک‌هـا قرار است به اصلاحات قانون اساسی مد نظر اردوغان رای بدهنـد و از ایـن طریق تغییراتـی در قانون به وجود بیاورند. مرحله بعدی نظرسـنجی و رای‌گیری در ۱۲ سـپتامبر برگزار خواهد شد. این روزنامه در تیتر یک خود موضوعی کلیشـه‌ای را بررسی می‌کند؛ کودتای ارتشی‌ها. مدتی اسـت تصاویر ژنرال‌ها و تحلیل‌هایی دربـاره آنها از صفحه یک تودیززمان پاک نمی‌شـود. هفته گذشـته طبق خبری که تودیززمان داد، نقشـه کودتای ارتشی‌های بازنشسته و چندتایی دیگر لو رفت. حالا یکی‌یکی سـابقه و فعالیت‌هـای تعدادی از این ارتشـی‌ها در صفحه یک تودیززمان بررسی می‌شود و گاهی به جای تیتر یک هم می‌نشینند. این‌طور که این روزنامه در تیتر یک خود خبر می‌دهد ژنرال ایگسـیز فراخوانده شـده برای شـهادت دادن و تایید یکی از پروژه‌هـای کودتاچیان. به او سـه روز وقت داده‌اند تا در دادگاه شهادت بدهد و از باند تبلیغاتی کودتاچی‌ها علیه مردم پرده‌برداری کند.

پنجاه سال کیهان، اطلاعات

این کاپ نصیب اولین کسی است که به من رای دهد

فرنوش آباء

کیهان، ۱۶ مرداد ۱۳۳۹

تیتـر بزرگ کیهـان که با عکـس همخوانی دارد: «جشـن پایـان تحصیلی دوره چهل و یکم دانشـگاه نظامی در حضور شاهنشـاه». عکـس یک کیهان هم مربوط به این جشن پایان تحصیلی دوره چهل و یکم دانشگاه نظامی است که در حضور شاه برپا شده است. در عکس، شاه هنگام بازدید از دستگاه‌های مخابرات در مراسـم دیروز دیده می‌شود. «از طرف فیدل کاسترو، کلیـه اموال و موسسـات امریکایی‌ها درکوبا محاصره شد.» مصادره موسسات امریکایی، بحران روابط امریکا و کوبـا را وخیم‌تر کرد. مصر علیه ایران: «فعالیت‌های ناصر علیه ایران بی‌نتیجه ماند.» همه علیه ناصر، رهبر مصـر؛ «حضرت آیت‌الله بروجردی به نام علمای دینی کشـورهای عربی پاسـخ ناصر را دادند.» چند کشـور عربی مخالفت خود را با ناصر رسماً اعلام کردند. دکتر امینی گفت: «مبارزه دکتر اقبال جوانمردانه نیسـت.» او سـنگ به درخت بارور می‌زند و جملاتش دلیل آن اسـت که تیر مـا به هدف خورده اسـت. مردم خوب کاندیداها را نشـناخته‌اند! «بانو دلکـش در انتخابات مهابـاد، هفت رای به دسـت آورد.» زیرتیترهای خبر هم مثـل خود خبر خواندنی هسـتند: در سـوادکوه و زیـرآب مـردم از دادن رای خـودداری کردند. در شهسـوار، در اتاق انجمن قفل شد. مناعت طبع کنگو، چشـم جهانیان را خیره کرد: «کنگو از کمک سازمان ملـل صرف نظر کرد.» ارتش کنگو با همکاری ممالک آفریقایی، کاتانگا را اشغال می‌کند. «سیدصادق قریش کاندیـدای منفرد شـیراز با یک گلدان نقـره به پای صندوق رای رفت و اعلام کرد این کاپ نصیب اولین کسـی است که به من رای دهد.» البته تا ظهر خبری نشـد و کاندیدای منفرد کاپ را با خود به منزل برد. ماهـی آدمکش: «یک ماهی عجیـب، چهار کودک را کشته است.» این ماهی با اره مخصوص خود، شناگران را مجروح می‌کند و شـناگران بعد از مدتی مسموم و تلف می‌شوند. فرهنگ استفاده از تکنولوژی: «تیرهای تلفن را شبانه کندند و به اداره تلفن پیشکش دادند.» ۶۰۰ تلفـن مغناطیسـی از کار افتاد و سـر و صدای مشـترکین بلند شـد. کارکنان اداره تلفن برای تعمیر تلفن‌ها بسـیج شدند. ولی شـهردار اطلاع داد بیخود زحمت نکشـید، چون تلفن مغناطیسـی بدون سیم و تیر کار نمی‌کند. ظاهراً عده‌ای از مشترکین که از این صـدای مزاحم این قارقارک‌ها یعنی تلفن‌ها به سـتوه آمده بودند، تیرها را کنده‌اند و گفته‌اند: این قارقارک‌ها را از مـا بگیرید. قانون کپی‌رایت رعایت نشـده: «زیر گنبد مسـجد گوهرشـاد، گنبد دیگری کشف شد.» با کشـف این گنبد، موضوع سـاختن مسـجد به دست گوهرشـاد مورد تردید قرار گرفته اسـت.

اطلاعات، ۱۶ مرداد ۱۳۳۹

خبر داغ از رابطه ایران و بازی‌های المپیک: «هیات اعزامی به مسـابقات المپیک رم»؛ ۲۵ ورزشکار و ۱۱ سرپرست و مربی برای بازی‌های المپیک ۱۹۶۰ به رم می‌روند. عکس یک اطلاعات، مانند عکس کیهان، شاه را در دانشـگاه نظامی نشـان می‌دهد. خلیج فارس از ۵۰ سـال پیش تا الان، کنام پلنگان و شیران: «ناصر، پای بحرین و خلیج فارس را وسـط کشـیده است.» دیکتاتور مصر خصومت دیرینه خود را با ایران آشکار می‌سازد. جمال عبدالناصر، تحریکات خود را از طریق دبیرخانـه اتحادیه عرب و خبرگزاری خاورمیانه علیه ایـران دنبال می‌کند که تنهـا مربوط به روابط ایران و اسـرائیل نیست. نسخه جدید رای‌گیری در جنوب: «زنان کازرون شوهران خود را تهدید می‌کنند که به کاندیدای آنها رای دهند.» فیدل کاسـترو و جنجالی دوباره: «کاسـترو تمام امـوال امریکایی‌ها را مصادره کرد.» بهای این تاسیسـات، بیش از یک میلیارد دلار اسـت. «پیروزی حزب ملیـون در انتخابات قطعی به نظر می‌رسـد.» هر کس بیشتر موشک انداخت، برنده اسـت. مسـابقه موشـک‌پرانی بین امریکا و شوروی: «امریکـا بیـش از شـوروی موشـک پرتـاب کرده است.» در مسابقات آینده ملکه زیبایی بین‌المللی: «ملکه‌ها لباس پوشـیده‌تری خواهند داشت.» ملکه زیبایـی ترکیه دیر کرد و یـک جنجال تمام‌عیار به راه افتـاد. «کندی طرفدار آزادی تجارت اسـت.» در مبـارزات انتخاباتـی امریکـا: «کندی بـا تمام نیـرو می‌خواهـد اختلافـات داخلـی اعضای حزب دموکـرات را حل کند. دلیل ملاقـات او با یکی از مخالفـان خـود، یعنی بانو روزولت هـم حل همین اختلافات اسـت.»

پشت صحنه

تاخیر شما بیش از اندازه بود

فراز انصاری

روز- داخلی - اسفند ۱۳۸٤

خواننده‌ای تازه پا به بازار موسـیقی پاپ گذاشـته بود؛ خواننده‌ای که اگر چه سبک خواندنش شباهت‌های زیادی به نوحه‌خوانی داشـت، ولی به هر ترتیب با استقبال مواجه شـد. آنقـدر که بـه او لقب پدیـده دادند. بـرای گفت‌وگـو بـا او راهی شـرکت ترانه شرقی شـدم. جزء اولین کسـانی بودم که بـا او گفت‌وگو می‌کردم. جواب‌هایش کوتاه بود و حتی گاهـی در حد یکی دو کلمه. در آخر گفت‌وگو به خاطر مصاحبه تشکر کرد.

روز - داخلی- اردیبهشت ۱۳۸۸

آلبوم دومش تازه منتشر شده بود. بعد از کلی تماس و... قرار شـد راس ساعت سه بعدازظهر و نه دیرتر یکی از روزهای اردیبهشت ۱۳۸۸ برای گفت‌وگو با او به دفتر شرکت ترانه شرقی بروم. طبق قرار قبلی راس ساعت سه بعدازظهر همراه بهنام موذن عکاس روزنامه به دفتر شرکت رسیدیم. جالب اینکه ما تا حدود یک‌ساعت‌ونیم بعد هم موفق به دیدنش نشـدیم، چون خبرنگاران نشریه‌ای که قبل از ما مشغول گفت‌وگو با او بودند، کارشان همچنان ادامه داشـت و نوبت به ما نمی‌رسید. البته بعداً متوجه شـدیم که علت این تاخیر، وسواس و علاقه‌ای است که بنیامین به عکاسی دارد. القصه مصاحبه من با این خواننده که قرار بود ساعت سه بعدازظهر انجام شود حدود ساعت پنج بعدازظهر شروع شد. به نظر می‌رسید در گفت‌وگو با خبرنگاران خیلی تغییر کرده است؛ دیگر از آن جواب‌های یک‌کلمه‌ای خبری نبود و در جواب ساده‌ترین سوالات هم یک کوله‌بار جواب آماده داشت.

عصر - داخلی- اسفند ۱۳۸۸

نزدیک سال نو بود و قرار شد گفت‌وگویی بـا ایـن خواننده بـرای سـالنامه یکی از روزنامه‌ها داشـته باشـم. از آنجـا که مدیر برنامه‌هـا و تهیه‌کننـده آلبوم‌هایش برای سـفر کاری به خـارج از ایـران رفته بود، خیلی سـخت موفق به تنظیم قرار مصاحبه با او شدم. قرار شد برای مصاحبه با هم به یکی از کافی‌شاپ‌های شـهر برویـم. به طرف محل مصاحبـه می‌رفتم که در ترافیک معروف شـب‌های عید تهران گرفتار شـدم. با پیامکـی موضـوع را به وی اطـلاع دادم. با حدود ۲۰ دقیقـه تاخیر به محل قرار رسـیدم و درسـت همان لحظه با جواب پیامکم روبه‌رو شـدم: «متاسـفم تاخیر شـما خیلی بیش از حد بود، خدانگهدار.» خیلی سعی کردم تا هر طور شده مصاحبه را انجام دهم، اما ظاهراً تاخیـر ۲۰ دقیقه‌ای من نابخشـودنی بود (خوب یادم می‌آید که تاخیر دو سـاعته او در مصاحبه قبلی باعث شـد تا دیروقت برای رسـاندن به موقـع آن مصاحبه بیـدار بمانم). وقتی رفتار این خواننده را در کنار رفتار دیگر خواننده‌ها و نوازنده‌هایی که با همان مدیر برنامه و تهیه‌کننـده همکـاری می‌کنند، مقایسـه کردم و از زبان همکارانم شـنیدم که اتفاقات مشابهی در هنگام گفت‌وگو با او برایشـان افتاده، فهمیدم اشکال از تاخیر بیش از اندازه من نبوده اسـت.

فراموشخانه

سنگ بنای مطبوعات ایران

حسین میرزایی(سپهرآزاد)

۱۳ سال بعد از توقف انتشار کاغذ اخبار، اولیای دولت مجدداً به فکر تربیت رعایای ایران افتادند. این بار اما بانی انتشار روزنامه‌ای که از شماره دوم وقایع اتفاقیه نامیده شد، امیرکبیر بود؛ صدراعظم مقتدری که آنچنان سازمانی برای روزنامه ترتیب داد که انتشار آن حتی پس از برکناری و قتل او تا سال‌ها ادامه یافت. به این ترتیب گرچه وقایع اتفاقیه دومین روزنامه فارسـی ایران به شـمار می‌رود اما به دلیل انتشار مستمر و طولانی‌مدتش باید سنگ بنای مطبوعات ایران شناخته شود. نخستین شماره در سال سوم سلطنت ناصرالدین‌شاه در پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ قمری منتشر شـد، در چهار صفحه به چاپ سنگی در قطع ۲۶ در ۴۰. در شماره‌های بعد صفحات روزنامه گاه تا شش و هشت صفحه هم افزایش می‌یافت. مطالب صفحات به خط نستعلیق درون یک کادر و در دو ستون تحریر می‌شد. در بالای صفحه اول روزنامه تصویر بزرگ شـیر و خورشید درون کادر ویژه‌ای قرار داشت که طراحی آن در طول دوره انتشار چند بار تغییر کرد. وقایع اتفاقیه هفته‌ای یک بار جمعه‌ها و از شماره هفدهم پنجشنبه‌ها منتشر می‌شد. مطالب روزنامه عمدتاً شامل اخبار داخلـی (رویدادهـای دربار، احکام دولتـی، اخبار پایتخت و گزارشات ولایات) و اخبار خارجی بود که از روزنامه‌های عثمانی، هندی و اروپایی ترجمه می‌شد. هرازگاه نرخ ارزاق و فهرست کتاب‌های چاپ‌شده توسـط اداره انطباعات به همراه قیمت و محل فروش آنها در وقایع اتفاقیه چاپ می‌شـد. به دسـتور امیرکبیر حکام ولایات و شـماری از دیوانیان باید مشـترک وقایع اتفاقیه می‌شدند و وجه اشتراک را به مبلغ سالیانه ۲۰ قران می‌پرداختند. بهای تک شـماره ۱۰ شاهی بود که به نسبت آن روزگار مبلغ زیادی به حساب می‌آمد. از شماره هفتم برای فروش عمومی روزنامه مغازه سیدکاظم بلورفروش را در نظر گرفتند و در روزنامه اعلان کردند. وقایع اتفاقیه آگهی هم چاپ می‌کرد. بهای هر سطر آگهی ۱۰ شاهی بود. اولین تصویر و اولین ضمیمه تاریخ مطبوعات ایران در وقایع اتفاقیه چاپ شده است. اغلب پژوهشگران دو تصویر چاپ‌شده در آخرین شماره روزنامه را به عنوان اولین تصاویر مطبوعات ایران می‌شناسند اما در شماره ۶۴ نیز تصویر دو سکه کشف‌شده در شوش که به دارالخلافه آورده شده بود، دیده می‌شود. مطالب وقایع اتفاقیه با نثر نسبتاً ساده و متفاوت با نثر پرتکلف منشیانه آن روزگار نوشته می‌شد و از این لحاظ آغاز روند تحول در نثر فارسی شناخته می‌شود. سیر انتشار و کیفیت محتوای وقایع اتفاقیه را باید به دوره امیرکبیر و پس از او تقسیم کرد. در دوره امیر که تا شماره ۴۱ طول کشید وقایع اتفاقیه گزارشـگر تحولات اداری و نظامی کشـور بود و اخبار مربوط به دربار تنها چند سـطر روزنامه را به خود اختصاص می‌داد. امورات قشـونی عنوان سـتون ثابتی در روزنامه بود. تعداد اخبار زیاد و حجم آن اندک بود، حال آنکه پس از امیر تعداد اخبار کم و حجم آن زیاد شـد، اخبار شـاه و دربار طول و تفصیل گرفت، اشعار مدیحه‌سرایان درباری در روزنامه چاپ می‌شد و روزنامه به شهادت پژوهشگران نتوانست اقبال مخاطبان را به دست آورد وقایع اتفاقیه در ۲۸ محرم سال ۱۲۷۷ با شماره ۴۷۱ آخرین شماره خود را منتشر کرد و بعد از آن با نام «روزنامه دولت علیه ایران» ادامه انتشار داد.